

www.ketab.ir

اگر فریدا بود، چه می کرد؟

راهنمای جسور زیستن

www.ketab.ir

دیویس، آریانا

Davis, Arianna

اگر فریدا بود، چه می کرد؟ راهنمای جسور زیستن

آریانا دیویس؛ ترجمه نیاز نوجوکی.

تهران: نشر ثالث، ۱۴۰۰.

۲۸۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۷۳۱-۸

عنوان اصلی: What Would Frida Do?: A Guide to Living Boldly, 2020.

کالو، فریدا، ۱۹۰۷ - ۱۹۵۴ م.

کالو، فریدا، ۱۹۰۷ - ۱۹۵۴ م. - مطالب گونه گون

نقاشان مکزیکی - سرگذشته

نوجوکی، نیاز، ۱۳۶۷ -، مترجم

رده بندی کنگره: ND۲۵۹

رده بندی دیویی: ۷۵۹/۹۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۶۲۸۶۰



اگر فریدا بود، چه می کرد؟ راهنمای جسور زیستن

آریانا دیویس

ترجمه نیاز نوجوکی

ویرایش: نازنین خلیلی پور

صفحه آرایی: فریدون سامانی پور

مجموعه روان شناسی و ماوراء الطبیعه

طراح جلد: حمید باهو

چاپ اول: ۱۴۰۰ / ۴۴۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۷۳۱-۸

ISBN: 978-600-405-731-8

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۷۲۵۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایران شهر و ماه شهر / شماره ۱۵۰ / طبقه چهارم

فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند / بین ایران شهر و ماه شهر / شماره ۱۴۸

فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایران مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳

فروشگاه شماره سه: پاسداران / میدان هروی / مجتمع هدیش مال

فروشگاه شماره چهار: خیابان فرشته / آقا بزرگی / باغ ریشه / شماره ۳۱

تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۲۷ - ۷ - ۸۸۳۲۵۲۷۶

آدرس سایت: www.salesspublication.com

آدرس اینستاگرام: [salesspublication](https://www.instagram.com/salesspublication)

فهرست

مقدمه.....	۱۵
ظهور تب فریدا.....	۳۳
باشگاه طرفدارهای معروف فریدا کالو.....	۳۷
۱. اعتماد به نفس.....	۴۳
فریدا کالو، نویسنده داستان خودش.....	۵۶
نسل رسانه‌های اجتماعی چه چیزهایی می‌تواند از فریدا بیاموزد؟.....	۵۷
اگر فریدا بود، وقتی به خودش عشق می‌ورزید، چه می‌کرد؟.....	۵۹
۲. درد.....	۶۳
گاهشمار بیماری فریدا کالو.....	۷۵
اگر فریدا بود، وقتی مجبور بود قدرت درونی‌اش را پیدا کند، چه می‌کرد؟.....	۷۹
۳. خلاقیت.....	۸۳
درآمد فریدا.....	۱۰۰
چگونه خانه‌های فریدا کالو الهامبخش آثارش بودند؟.....	۱۰۲
زندگی در رنگ.....	۱۰۶

اگر فریدا بود، ۱۰۸

برای خلاق بودن چه می کرد؟ ۱۰۸

۴. سبک ۱۱۳

لباس هالووین فریدا کالو ۱۳۱

جلد تقلبی مجله ووگ ۱۳۳

اگر فریدا بود، وقتی به کمی الهام نیاز داشت چه می کرد؟ ۱۳۴

۵. عشق ۱۳۹

فیل و فاخته ۱۶۱

عشق فریدا به دیوگو از زبان خودش ۱۶۳

اگر فریدا بود، وقتی دیوانه وار عاشق می شد چه می کرد؟ ۱۶۵

۶. دلشکستگی ۱۶۹

پرتله های دل شکسته ۱۹۰

دلشکستگی مادری که هرگز مادر نشد ۱۹۳

اگر فریدا بود، وقتی دلش می شکست چه می کرد؟ ۱۹۵

۷. گل ارکیده ۱۹۹

حمام سری ۲۰۹

اگر فریدا می خواست کسی را اغوا کند چه می کرد؟ ۲۱۰

۸. هویت ۲۱۳

چرا مکزیکی همیشه خانه فریدا کالو بود؟ ۲۲۷

گاهشمار فعالیت های سیاسی فریدا ۲۲۹

اگر فریدا زنده بود، چطور موضع می گرفت؟ ۲۳۲

مقدمه

خیابان‌های محله کایوآکان^۱ در جنوب مکزیکوسیتی ساکت و خلوتند. خانه‌های رنگارنگ با دروازه‌های آهنی تودرتو همچون نقطه‌هایی‌اند در خیابان‌هایی که به نام شهرهای اروپایی مانند پاریس، برلین، مادرید نامگذاری شده‌اند. ناگهان سکوت در کاله لوندرس^۲ شکسته می‌شود. ده‌ها تن سوت می‌زنند، چند نفر پابندی کرده‌اند تا نیم‌نگاهی به جلوی صفی که دور تا دور ساختمان را گرفته بیندازند. این خانه آبی‌رنگ درخشان از ۱۹۰۷ تا ۱۹۵۴ خانه فریدا کالو بوده است.

از ۱۹۵۸ لا کاسا آزل^۳ به موزه فریدا کالو معروف شده است. این خانه هدیه‌ای بود از طرف شوهر این زن هنرمند، دیه‌گو ریورا^۴، که می‌خواست خانه مشترکشان ادای دینی باشد به کار و هنر فریدا و متعاقباً به طرفداران فریدا کالو. و بیش از شش دهه بعد از مرگ فریدا این خانه هنوز پر از حس زندگی است.

اولین بار است که وارد راهروی بلند سبزی می‌شوم که تابلوی «موزه فریدا کالو» را در ورودی‌اش نصب کرده‌اند. به باغی می‌رسم که دور تا دورش با دیوارهای آبی‌رنگ محصور شده است. آبی این دیوارها به قدری زنده و براق است که تقریباً چشم را می‌زند. مجموعه‌ای جنگل‌مانند از گیاهان و کاکتوس‌ها که تنه

1. Coyoacán

2. Calle Londres

۳. La Casa Azul: این عبارت به اسپانیایی یعنی خانه آبی‌رنگ -و-

4. Diego Rivera

نخل‌هایی را که سر به فلک کشیده در آغوش گرفته است. پیش از این‌که داخل شوم، چشمم به نیمکت سنگی کوچکی در گوشه‌ای می‌افتد. رویش می‌نشینم و با تمام وجودم غرق تماشا می‌شوم. چشم‌هایم را می‌بندم تا بر صدای آبی که از فواره‌ای می‌چکد تمرکز کنم. هوای پاییزی نشاط‌آور و خنک است و بوی خاک و خزه روی پوستم می‌نشیند. بالای سرم برگ‌ها می‌رقصند و پرنده‌ها پرشور می‌خوانند. و بعد وقتی که چشم‌هایم را باز می‌کنم، او آن‌جا است: فریدای جوانی که در باغ می‌لنگد، و همین‌طور که زیر لب «سیلیتو لیدو»^۱ می‌خواند با دامنش زمین را جارو می‌کند. سگ بی‌مویش، سینور شولوتل^۲، پشت سرش می‌جنبید. وقتی که در ورودی باز می‌شود، فریدا برمی‌گردد، لبخند دلچسبی بر چهره‌اش نقش می‌بندد. فریاد می‌زند: «دیه‌گوا!» من هم لبخند می‌زنم.

و بعد رشته زبانی‌ها همان سرعتی که بافته شده، با صدای ممتدی پاره می‌شود. زن بلوند لندوکی با روی ماهایم می‌گذارد و فریاد می‌زند: «بیخشیدا!» انگار سر راه نشسته‌ام. او خودش با بهر محنت به این نقطه رسانده که عکس بگیرد. سر خود را به یک طرف خم می‌کند، یکی از آن ژست‌های معروف اینفلوئنسرهای اینستاگرامی را به خودش می‌گیرد تا دوستش با گوشی آیفونش عکس او را بگیرد. به محض این‌که آن‌ها می‌روند، نفس راحتی می‌کشم، چون دوباره می‌توانم با خیال فریدا خوش بگذرانم. اما هنوز دخترک بلوند نرفته که یک دسته دختر دبیرستانی با تی‌شرت‌های فریدا کالو از راه می‌رسند، وقتی پشت سر هم سلفی می‌گیرند، به ژاپنی با هم گپ می‌زنند. پشت سرشان انگار جمعیتی که به داخل موزه راه داده‌اند تقریباً دو برابر شده است. وقتی بازدیدکننده‌ها یکدیگر را هل می‌دهند تا به زور وارد خانه شوند، انواع و اقسام لهجه‌ها فضای آرامبخش کمی قبل را مخدوش می‌کند.

بیرون از موزه، گوشه‌گوشه محله دوست‌داشتنی فریدا — جایی که در آن به

۱. Cielito Lindo، «عزیز کوچولوی بهشتی»، عبارتی از ترانه اسپانیایی معروفی که مورد علاقه فریدا

بود. — و.

دنيا آمده و جایی که در آن مرده است، جایی که عاشق شوهرش شده، جایی که برخی از تأثیرگذارترین آثارش را کشیده و جایی که بعد از هر دوره زندگی سخت و دشوار در خارج از کشور به آن بازمی‌گشته است — مملو از نقاشی دیواری، پوستر و گاری‌های سوغاتی‌فروشی فریداست. تا چند ساختمان آن‌طرف‌تر، می‌توانید زنی را در هر گوشه و کنار پیدا کنید که پیراهنی به سبک و مدل فریدا پوشیده و فریادزنان کالاهای داخل سبدش، یعنی تی‌شرت، کیف پول و عروسک‌های نمادی ابرویپوسته را تبلیغ می‌کند. همین‌طور که قدم‌زنان به مرکز شهر می‌روید، غرفه‌های بازارهای خیابانی را می‌بینید که کیپ تا کیپ پر شده‌اند از کالاهای مژین به تصویر فریدا. همه‌چیز دارند، از انواع گوشواره مهره‌ای گرفته تا پیشبند آشپزی، جعبه جواهرات، جعبه کبریت، دمپایی، قاب گوشی و کاسه سالاد. و این توجه پرستش‌گونه به فریدا از خیابان‌های جادویی مملو از هنر کایوآکان فراتر می‌رود.

از دهه ۱۹۹۰ به بعد، «فریدامانیا»^۱ یا تب فریدا در سراسر جهان به اوج خود رسید. شهرت پس از مرگ این هنرمند هر سال بیش‌تر می‌شود و امروز می‌دانیم که تب فریدا تبی زودگذر نیست؛ دنیا تا ابد مسحور تصویر، زندگی، هنر و میراث او خواهد بود. به یمن تجدید حیات آثارش در طول جنبش‌های حقوق زنان و چیکانو^۲ در دهه ۱۹۸۰، فریدای مرحوم به سلبریتی تمام‌عیاری تبدیل شد. فیلم زندگینامه فریدا با بازی سلما هایک^۳ که ۲۰۰۲ برنده اسکار شد به عطش فرهنگ ما درباره او بیش‌تر دامن زد. امروز تأثیر او را می‌توان کیلومترها دورتر از مکزیکوسیتی، در موزه‌های اروپا، از زان‌فروشی‌های توکیو، و اساساً در هر جایی که اینترنت حضور دارد، حس کرد.

کافی است اسمش را در گوگل جستجو کنید تا جاسوییچی‌ها، کیف پول‌ها، آهنبایاها، ماگ‌ها و جعبه‌های موسیقی، جوراب‌ها، چمدان‌ها و عطرها، کیف‌های

1. Fridamania

۲. Chicano: صفت مکزیک‌تبارهای متولد ایالات متحد. این اصطلاح را اولین بار در آمریکا، به عنوان نماد افتخار به هویت مکزیک، در طول جنبشی به همین نام به کار بردند. —

3. Salma Hayek

شنا، خودکارها، تکیلاها، لاک‌ها، دستگاه‌های قهوه‌ساز، پالت‌های آرایش، کارت‌های اعتباری، کیمونوها، کتانی‌ها و گلدان‌های طرح فریدا کالو را پیدا کنید. حتی نوار بهداشتی فریدا کالو هم داریم. (بله، درست خواندید.) چهره‌اش زیتبخش دیوارهای رستوران‌های زنجیره‌ای و کارت‌پستال‌های چیده‌شده در ویتترین کتاب‌فروشی‌های کالج‌هاست. دانشگاه‌های سراسر دنیا دوره‌های کاملی درباره آثار این هنرمند برگزار می‌کنند. فروشگاه‌های زنجیره‌ای مانند ونس^۱ مجموعه‌ای از محصولات خود را با طرح چهره فریدا راهی بازار کرده‌اند. سال ۲۰۱۷ موزه هنر دالاس به مناسبت بزرگداشت صدودهمین سالگرد میلادش «ضیافت فریدا» را برگزار کرد، رویدادی که بزرگ‌ترین گردهمایی انسانی بود که شرکت‌کننده‌هایش لباس‌هایی با طرح فریدا کالو پوشیده بودند و در کتاب گینس ثبت شد. در طول قرنطینه همه‌گیری جهانی ویروس کرونا، ۲۰۲۰، برخی فروشگاه‌های تکفروشی آنلاین مانند آرتلکسیا^۲ در سن دیه‌گو کالیفرنیا، پشت سر هم پازل‌های چهره فریدا کالو را می‌فروختند.

مدت‌ها قبل از این‌که گوشی‌های هوشمند میلیون‌ها تن را به اینفلوئنسرهای الهامبخش، مانند آن زن بلوندی که در موزه دیدم، تبدیل کند، هنرمندی زندگی می‌کرد که به چند نسل زن‌ها کمک کرد تا خودشان را همان‌طور که هستند بپذیرند، و او کسی نبود جز فریدا کالو. البته فریدا اولین کسی نبود که پرتره خودش را کشید؛ در واقع تا جایی که تاریخ‌نگاران می‌دانند، اولین خودنگاره^۳ قابدار تاریخ اثری است به نام پرتره مرد دستاره‌سر^۴ که ۱۴۳۳ یان فان ایک^۵ آن را کشیده است. اما این فریدا کالو بود که انحصاراً خودنگاری را به هنر داستانگویی برای زن‌ها تبدیل کرد و درون و بیرون زندگی‌اش را به تصویر کشید. او مانند میلیون‌ها تن در سراسر جهان امروز، عشق و درد خود را با دیگران به اشتراک گذاشت. امروز ما به جای ضربه‌های دقیق قلم‌مو می‌توانیم با گوشی تلفن همراه عکس‌های فوری از خودمان بگیریم و با توضیحات مناسب در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذاریم.

1. Vans
3. self-portrait
5. Jan van Eyck

2. Artelexia
4. Portrait of a Man in a Turban